



روزانه ها ...



خانه قلم ها پیوندها



آراد (م.) ایل بیگی گاه روزانه های دیروز ... و امروز

آوردن این مطالب ، نه به معنای تأییدست و نه به تبلیغ ؛ تنها برای خواندنست و ...

1-528

## فرهاد نعمانی : تکامل مالکیت‌های فئودالی زمین در ایران



فرهاد نعمانی

تکامل فئودالیسم در ایران

جلد اول

چاپ اول: اسفندماه ۱۳۵۸ ه.ش. تهران

چاپ و صحافی: چاپخانه سپهر

حقوق هرگونه چاپ و انتشار مخصوص شرکت سهامی انتشارات خوارزمی است.

فهرست

مقدمه

اهداف

منابع و محدودیت‌های آنها

بخش اول

۱۳	مسائل نظری و روش‌شناسانه
۱۵	فصل اول: محتوی و روش مطالعه تاریخ اقتصادی
۱۸	فصل دوم: علم اجتماعی
۲۱	بنیانهای علم اجتماعی
۲۳	قوانین کلی و رویدادهای خاص
۲۵	قصد انسانها و قوانین عینی
۲۷	مطابقت روابط انسانها در تولید با نیروهای عامل در تولید
۲۷	مالکیت وسایل تولید و اهمیت آن در روابط انسانها در تولید
۲۹	شیوه تولید
۳۰	قانون هم‌توانی بین روابط انسانها در تولید و نیروهای عامل در تولید
۳۱	آگاهی اجتماعی
۳۲	مفهوم صورت‌بندی اقتصادی - اجتماعی، شالوده و رو ساخت
۳۳	قانون هم‌توانی بین رو ساخت و شالوده اقتصادی
۳۵	خصایف محافظه‌کارانه روابط اجتماعی و آگاهی اجتماعی
۳۶	قانون توسعه و تکامل روزافزون نیروهای عامل در تولید
۳۸	پویای تکامل نظامهای اقتصادی - اجتماعی
۴۰	پویای جدلی تکامل اجتماعی
۴۱	تکامل نام‌تساوی و ترکیبی
۴۲	منتشأ مادی تکامل نام‌تساوی و ترکیبات ناشی از آن

تکامل فئودالیسم در ایران

فهرست

بخش سوم

۱۳۳	شیوه تولید فئودالی در ایران
۱۴۵	فصل نهم: تکامل مالکیت‌های فئودالی زمین در ایران
۱۳۶	اراضی اشتراکی روستاییان
۱۵۱	اراضی دیوانی
۱۶۱	اراضی سلطنتی
۱۷۳	اراضی ملکی [خصوصی]
۱۸۷	اراضی وقفی
۱۹۶	چراگاههای محرانشینان
۲۰۱	اراضی اهدایی مشروط
۲۲۹	سیورغال
۲۳۷	فصل دهم: تقیدات و ذابیههای روستاییان در ایران
۲۳۷	تجزیه جماعت‌های روستایی و اضمحلال برده‌داری
۲۴۰	تکامل وابستگی روستاییان در برابر فئودالها
۲۴۸	تمهیدات فئودالی روستاییان
۲۵۷	فصل یازدهم: بهره‌کشی فئودالی
۲۵۷	مزارعه
۲۶۱	سهم مزارعان از محصول
۲۶۵	شیوه تقسیم اراضی بین مزارعان
۲۶۹	تغییرات بهره مالکانه و مالیات ارضی
۲۸۲	شیوه‌های تفویض مالیات ارضی
۲۸۵	فصل دوازدهم: پویای عمومی تکامل روابط ارضی در ایران
۲۹۳	فصل سیزدهم: پویای عمومی تکامل نیروهای عامل در تولید کشاورزی
۳۱۷	فصل چهاردهم: پویای عمومی تکامل نیروهای عامل در تولید در شهر
	تحول عمومی نیروهای اقتصادی شهرها در دوره اعراب، حکومت‌های محلی و سلجوقیان
۳۳۵	تولیدات شهری و تحول آنها از زمان تسلط اعراب تا هنگام حمله مغولها
۳۵۰	تحول عمومی نیروهای اقتصادی شهرها در دوره مغولها
۳۵۴	تولیدات شهری در دوره مغولها
۳۵۷	تحول عمومی نیروهای اقتصادی شهرها در دوره صفویه
۳۶۰	روابط اقتصادی ایران با اروپا در دوره صفویه
۳۶۸	تولیدات شهری و تحول آنها در دوره صفویه
۳۷۵	فصل پانزدهم: اصناف چندشدهی در ایران
۳۸۳	فصل شانزدهم: جنبشهای ضد فئودالی روستاییان و پیشروان در ایران

۴۸	ترکیب عناصر مختلف تاریخی و تنوع این ترکیبات
۴۹	تکامل نام‌تساوی جوامع ابتدایی
۵۱	مسئله «پهن‌نظری» در جامعه
۵۳	ویژگیهای عمومی
۵۷	فصل سوم: علم اجتماعی و منتقدان آن
۵۸	تیینهای «عابانه» و مکانیکی از جامعه و منتقدان تعبیر «علمی»
۶۲	علم اجتماعی و انتقاد پوپر از آن
۷۸	فصل چهارم: شیوه تولید فئودالی
۷۹	مفهوم شیوه تولید
۸۱	خصایف نیروهای عامل در تولید و روابط انسانها در تولید فئودالیسم
۸۳	بهره‌کشی فئودالی
۸۹	نقدی بر پاره‌ای از نظریه‌های متعارف درباره فئودالیسم

بخش دوم

۹۵	شیوه تولید فئودالی در اروپا
۹۶	فصل پنجم: انواع مالکیت‌های فئودالی زمین در اروپا
۹۷	بنفیس و نفیس
۱۰۱	آلو
۱۰۲	زمینهای کلیسا
۱۰۳	زمینهای سلطنتی
۱۰۴	چراگاه و جنگل اشتراکی
۱۰۵	فصل ششم: تقیدات روستایی در اروپا
۱۰۶	جنبه‌های اقتصادی - اجتماعی سرواژ
۱۰۷	منتشأ طبقه سرف
۱۰۹	سرواژ در مرحله تکامل فئودالیسم در اروپا
۱۱۱	تعهدات و تقیدات تولیدکنندگان وابسته
۱۱۵	تشریح روستاییان اروپا در دوره فئودالیسم
۱۱۹	فصل هفتم: بهره‌کشی فئودالی در اروپا
۱۱۹	مانور
۱۲۱	سابقه تاریخی مانور
۱۲۲	مشخصات مانور
۱۲۵	تحول تاریخی مانور و تبدیل بهره‌کار به بهره‌کشی و پولی
۱۳۳	فصل هشتم: تحولات روابط ارضی در اروپا قبل و بعد از گسترش سرمایه‌داری
۱۳۵	تحولات روابط ارضی در دوره تلاشی فئودالیسم

۳۸۴	نهضت مزدکیان
۳۸۹	نهضت‌های مردم در دوره تسلط اعراب و سلسله‌های محلی
۴۰۴	نهضت‌های مردم در دوره تسلط مغولها
۴۱۳	نهضت‌های مردم در دوره صفویه
۴۱۹	فصل هفدهم: پوشش عمومی تکامل شیوه تولید فئودالی در ایران

**بخش چهارم**

۴۲۳	ملاحظات و راجع به دو مسأله در تاریخ ایران
۴۲۵	فصل هجدهم: کاربردپذیری «شیوه تولید آسیایی» در ایران»
۴۲۸	شکلهای مالکیت زمین
۴۳۱	اهمیت آبیاری در ایران
۴۳۴	شیوه‌های آبیاری در ایران
۴۴۳	مالکیت و نظارت بر شبکه‌های آبیاری
۴۴۶	توسعه و تکامل شهرها و نقش اقتصادی آنها
۴۵۱	فصل نوزدهم: مسأله ایلات در تاریخ ایران
۴۵۱	انواع اقتصاد شبانی
۴۵۳	کوچ‌نشینی در سرزمین ایران در دوره قبل از اسلام
۴۵۵	کوچ‌نشینی از ابتدای اسلام در ایران تا پایان قرن هفدهم
۴۵۹	ایلات در دوره سلجوقیان و مغولها

**فهرست مأخذ**

۴۷۳	الف - مأخذ فارسی
۴۷۹	ب - مأخذ خارجی
۴۸۵	فهرست موضوعی

**مقدمه**

**هدفها**

غرض از تألیف کتاب حاضر مطالعه شیوه تولید غالب در تاریخ ایران از دوره ساسانیان تا آخر دوره صفویه است. چنین مطالعه‌ای طرح و حل چهار مسئله متفاوت و در عین حال مربوط به هم را ایجاب می‌کند:

۱. موضوع علم اجتماعی و قوانین حاکم بر تکامل جامعه.
۲. فئودالیسم بطور کلی.
۳. فئودالیسم و تکامل آن در ایران.
۴. کاربردپذیری «شیوه تولید آسیایی» در ایران.

از این روی، در بخش اول کتاب پس از طرح مسائل نظری و روش‌شناسانه علم اجتماعی، می‌کوشیم انتقاداتی را که بر این نظریه وارد شده‌اند، مورد ارزیابی قرار دهیم. آنگاه به مطالعه فئودالیسم بعنوان یک نظام اقتصادی - اجتماعی خواهیم پرداخت و اصول نظری و گرایشهای موجود در تاریخ لگاری متعارف را راجع به فئودالیسم بازنگری خواهیم کرد.

در بخش دوم کتاب، از آنجا که واژه فئودالیسم - نه خود فئودالیسم - نخست در اروپا رایج گشته است، تصویری کلی از روابط فئودالی در اروپا را ارائه خواهیم داد، و به اختصار از تحول روابط انسانها در تولید فئودالی اروپا تا جایی که به مسئله مالکیت زمین، تبدلات و بهره‌کشی مربوط می‌شود، گفتگو خواهیم کرد. این امر زمینه‌ای برای مقایسه روابط فئودالی ایران با اروپا دست می‌دهد.

در بخش سوم، در چهارچوب نظری و روش‌شناسانه بخشی اول، تکامل و ویژگیهای روابط السالها در تولید و نیروهای عامل در تولید ایران از زمان ساسانیان تا آخر دوره

۱. کتب حاضر در واقع مشتق از تکامل فئودالیسم در ایران از دوره ساسانیان تا آخر دوره صفویه است. تکامل و ویژگیهای روابط انسانها در تولید و نیروهای عامل در تولید در دوره افشاریه تا آخر دوره قاجاریه درجمله دیگری منتشر خواهد شد.

**2. Methodologia**

وسیع‌گنج‌ناید، مقوله نخست مشتمل بر منابع اصلی به زبانهای مختلف یا تألیفات تاریخی نقلی، حقوقی، آثار جغرافیایی، منابع مستند، تذکره حیات اولیاءالله، تاریخ زندگی رجال، تألیفات رجال سیاسی و تألیفات درباره فن کشاورزی، دایرة المعارفها و سفرنامه‌ها است. نمونه‌هایی از این نوع عبارتند از: «تاریخ مبارکه خلافتی» (تألیف خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی)؛ «المفراج» (تألیف ابویوسف انصاری)؛ «مسالک و ممالک» (تألیف اصطخری)؛ «تذکره‌السلطنه» (تألیف دولت‌شاه سمرقندی)؛ «سیاست نامه» (تألیف خواجه نظام‌الملک طوسی)؛ «ادب‌الدولعه» (تألیف ناسم هروی)؛ «دربار هاهنده ایران» (تألیف انگلیت کمپنر) و غیره.

دومین مقوله تحقیقات تخصصی و عمومی چاپ شده و چاپ نشده راجع به مقولات اقتصادی - اجتماعی مختلف راه‌سازنده روابط و نهادهای اقتصادی و اجتماعی، که با روشها و نظرگاههای مختلفی تألیف گشته‌اند، در برمی‌گیرد. نمونه‌هایی از چنین تألیفات عبارتند از:

Frede Lokkegaard, *Islamic Taxation in the Classic Period*.  
 ا.ک.س. لکتون، مالک و ذابح «ایران»، ای. پ. پتر و ف. مسکی، کلاه‌دزی و هنرهای ادبی، ۵۰  
 ایران عهد مغول، مقالات مختلف  
 The Encyclopedia of Islam, Robert M. Adams, Land Behind Baghdad  
 C. Cahen, "L'Evolution de l'iqta' du ix<sup>e</sup> au xiii<sup>e</sup> siècle," *Annales Economies Societes Civilisations*, 1953.

بهرگونه مطالعه روابط اقتصادی ایران در دوره باستان، قرون وسطی و پس از آن با محدودیتهای گوناگونی دست بگریبان است. نخستین محدودیت این است که در بسیاری از نقاط، کاوشهای باستانشناسی صورت نگرفته‌اند، و آنجا هم که حفاریهای باستانشناسی بعمل آمده، اشیاء متعددی که بدست آمده‌اند، مورد تفسیر قرار نگرفته‌اند. از این گذشته، پاره‌ای از منابع مستند درباره برخی از دوره‌های تاریخی نیز از بیان رفته‌اند. به همین دلیل میزان شگفتی ما از دوره‌های تاریخ اقتصادی - اجتماعی، به ویژه دوره قبل از ساسانیان، بسیار ناچیز است. ولی با توجه به این که مطالعه حاضر بر دوره بعد از ساسانیان ناظر است، تأثیر این محدودیت در این کتاب چندانی مشهود نیست.

دیگر از محدودیتهای این مطالعه، کمبود اطلاعاتی است که منابع موجود درباره زندگی تولیدکنندگان و روابط آنان با غیر تولیدکنندگان در اختیار ما می‌گذارد. با این حال، حتی زمانی که در منابع اصلی اشاراتی به این روابط وجود دارد، این اشارات محدود به شرایط موجود در مناطقی خاص و در زمانهایی معین است. این امر پژوهشگر تاریخ ایران را با محدودیت تعمیم مواجه می‌سازد. با اینهمه، در برخی از مسائل نیز وی بسبب ناکافی بودن مدارک، باید به اختصار بپردازد، و تنها به ذکر کلیاتی قناعت کند.

صفویه، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این بخش مقولات زمینداری و تکامل آنها، تقیدات و تأییدهای روستایی، بهره‌کشی فئودالی، پوشش عمومی تکامل روابط ارضی و ترکیب زمینداران، قشرهای مختلف طبقه کشاورز، اصناف، و پوشش عمومی تکامل نیروهای عامل در تولید در کشاورزی و شهرها مورد مطالعه و ارزیابی قرار خواهند گرفت. آنگاه تخریج خلاصه از جنبشهای شبه فئودالی روستاییان و پیشه‌وران در دوران مورد نظر بدست داده خواهد شد، و سرانجام، به اختصار، پوشش عمومی تکامل شیوه تولید فئودالی در ایران، بعنوان نتیجه‌گیری، ارائه خواهد گشت.

بخش آخر کتاب به طرح دو مسأله که به ساخت اقتصادی - اجتماعی ایران در قرون وسطی مربوط می‌گردد، اختصاص می‌یابد، و همراه با بررسی مسائل نامبرده، نقاط ضعف نظرات ابراز شده در مورد آنها نیز مورد انتقاد قرار می‌گیرند. این مسائل مسأله ایلات و نقش آنها در ساخت اقتصادی ایران در دوره مورد نظر، و مسأله شیوه تولید آسیایی می‌باشند. از آنجا که هدف این مطالعه بطور کلی نیروهای عامل در تولید و روابط انسانها در تولید در دوره معینی بوده است، تعدد اعمه جنبه‌های نظام اقتصادی - اجتماعی فئودالیسم، مانند عناصر فکری و نهادهای سیاسی آن که در تاریخ سرزمین ما پدید آمده‌اند، مشمول این مطالعه نگشته‌اند. چرا که پدیده‌های مذکور باید در کتاب جداگانه‌ای مورد بحث قرار گیرند. در سوادری نیز بسبب کمیبود مدارک، پاره‌ای از مسائل به اختصار مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، و تنها به ذکر کلیاتی راجع به آنها اکتفا شده است. آشکار است که این مسائل را باید در آینده بصورت کاملتری مورد بررسی قرار داد.

این کتاب حاصل کوششی است که مؤلف در این مسیر بدان دست زده است. شکی نیست که چون منابع تازه‌ای در دسترس اهل تحقیق قرار گیرند، آثار جدید و حتی خاصی پدید می‌آیند، و ترکیب تازه‌ای ضرورت پیدا خواهند کرد. با این حال ذکر این نکته لازم است که برخی از فصول این تألیف از استقلال نسبی برخوردارند، و این امر می‌تواند برای آن دسته از طالبان علوم اجتماعی که ترکیب موجود در این کتاب را نمی‌پذیرند، مؤثر باشد. بهرگونه، اگر این اثر بتواند دقت نظر و تفکر عمیق تری را درباره تاریخ این سرزمین برانگیزد، به گمان نگارنده، وجودیت خود را اثبات کرده است.

**منابع و محدودیتهای آنها**

منابع مربوط به زمینداری، تقیدات، بهره‌کشی، تولیدات شهری، سازبناهای اجتماعی و روابط بین طبقات مختلف در دوره‌های مختلف تاریخ ایران دارای محدودیتهایی است. ذکر تمامی این منابع در اینجا ضروری بنظر نمی‌رسد، چرا که پاره‌ای از محققین تاریخ ایران به انجام این مهم دست یافته‌اند. لیکن می‌توان منابع مورد استفاده در این مطالعه را بطور کلی در دو مقوله

۳. بعنوان مثال به کتابهای زیر رجوع شود: ن. و. پیگولوسکیا، و دیگران، تاریخ ایران، ۱۳۴۹، جلد اول، ص ۸-۱۰، ۶۸-۷۳، ۱۵۱-۱۵۲، ۲۳۸-۲۳۹، و جلد دوم، ص ۲۲۶-۲۳۷، ۴۲۰-۴۳۰، ۴۹۱-۴۹۸، ۵۳۱-۵۳۲، ۵۹۸-۶۰۶، هیمپتون، ا.د.س. لکتون، مالک و ذابح در ایران، ۱۳۴۵، ص ۳۰-۳۱.

## تکامل مالکیت‌های فئودالی زمین در ایران

در این فصل، شش، تغییر و تکامل انواع مالکیت‌های فئودالی زمین و تناسب بین اقسام آن در ایران از زمان ساسانیان (قرن سوم م.) تا زمان اصفاریه (قرن هجدهم م.) قرن دوازدهم هجری (قرن سیزدهم میلادی) مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در عین حال، کارکرد تاریخی این مالکیت‌ها، یعنی سهم بالقوه آنها در تشکیل طبقه فئودال، نیز مورد نظر است.

طبقه بندی تقسیمات مالکیت ارضی در ایران، قبل و بعد از تسلط اعراب، بدون اشکال نیست. چراکه از یک سوی منابع موجود پدیده شخصی از تقسیمات مالکیت ارضی سخن نمی‌گویند، و تعریف دقیقی از آنها ارائه نمی‌دهند، و از سوی دیگر، قبیله‌ها اسلامی نیز به سبب آن که کوشیده‌اند تا همه روابط جدید و ناشناخته موجود در قلمرو خلفای اسلامی را به قرآن و احادیث مستند سازند، واقعیت تاریخی را منعکس نمانده‌اند. در واقع، چنین می‌نماید که قبیله‌ها اسلامی کوشیده‌اند تا روابط ارضی واقعی و تغییر پذیر را در جوامع مختلف اسلامی بر قوانین قضایی موضوعه خویش پهن‌نویس منطبق سازند. از این روی برداشت آنها غالباً به افتراق گراییده است، و از بررسی واقعیت بدور مانده. در عین حال، در آغاز، قبیله‌ها دو مسئله مالکیت زمین و شیوه دریافت مالیات را از یکدیگر متمایز نمانده‌اند. و از آنجا که دولت در دوره خاصی از تکامل زمین‌داری فئودالی در خاورمیانه هم حاکم بر ارضی بود و هم مالک قسمتی از زمینها و بهره‌گیرنده مستقیم از آنها، سوازی قضایی و فقهی کمتر توانسته‌اند واقعیت تاریخی را منعکس کنند. پس از انقراض خلافت نیز فقه دچار انجماد گردید، و تغییراتی که در مالکیت ارضی پدید آمده، در آن منعکس نگردیدند.<sup>۱</sup>

۱. مثلاً، رجوع شود به:

Yahya Ben Adam's kitab al-kharaj, *Taxation in Islam*, Vol. I, 1967, Qadama.  
B. Jafar's Kitab al-kharaj, *Taxation in Islam*, Vol. II, 1967, and Abu Yusuf's  
kitab al-kharaj, *Taxation in Islam*, Vol. III, 1969.

۲. ای. ب. پلر و شمشکی، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد موقر، جلد دوم، ۱۳۴۴، ص ۲-۵.

## شیوه تولید فئودالی در ایران

تکامل فئودالیسم در ایران

۱۲۶

با اینهمه، بررسی علمی منابع موجود این امر را آشکار می‌سازد که در دوره‌های مختلف تکامل زمین‌داری در ایران، تقسیمات مالکیت ارضی بصورت زیر بوده است: (۱) ارضی اشتراکی روستاییان؛ (۲) ارضی دیوایی (دولتی)؛ (۳) مالکیت‌های مشروط زمین، مانند اقطاع و نیول، و غیر مشروط، مانند سیورغال؛ (۴) ارضی سلطنتی؛ (۵) ارضی ملکی خصوصی، و ارضی روستاییان آزاد؛ (۶) ارضی وقفی؛ (۷) چراگاههای ایلات. بدیهی است که هر یک از این مالکیت‌ها در دوره خاصی بوجود آمده‌اند، و ترکیب و اهمیت آنها در زمانهای مختلف دگرگون شده است.

## اراضی اشتراکی روستاییان

اراضی اشتراکی روستاییان زمینهایی بوده‌اند که مورد استفاده جمعی جماعت‌های روستایی قرار می‌گرفته‌اند. این اراضی در آغاز بصورت اشتراکی در تصرف و مسالکیت روستاییان قرار داشته‌اند. پندریچ به سبب تکامل اقتصادی - اجتماعی، این اراضی یا از درون تجزیه شده و یا تحت تسلط شاهان و بزرگان به جماعت‌های روستایی غیر مستقل و وابسته تبدیل گردیدند. در حالت اخیر روستاییان بصورت جمعی زمین را در تصرف خود داشتند، اما خورد بهره‌کشی فئودالی قرار می‌گرفتند.

کمبود شواهد مستند درباره مالکیت اشتراکی روستاییان آزاد در دوره اشکانیان و ماد قبل آن، ارزیابی اهمیت چنین مقوله‌ای را مشکل می‌سازد. با اینهمه، ارائه تصویری کلی از تکامل این نوع زمینها امکان‌پذیر است. و از آنجا که بررسی تکامل روابط آنها در تولید پس از قرنهای سوم و چهارم م، مطالعه تکامل و تجزیه این اراضی را ضروری می‌سازد، باید تغییرات اساسی را که در مالکیت ارضی اشتراکی پدید آمده‌اند، مورد مطالعه قرار دهیم.

سرزمین ایران یکی از کهنترین مراکز کشاورزی جهان است. حفاریهای باستانشناسی نشان می‌دهند که در چهارمین هزاره قبل از میلاد کشاورزی این سرزمین در سطح بالایی بوده است.<sup>۲</sup>

بر سیای حفاریهای تپه حصار داسقان، تپه‌گهان نزدیک نهاوند، تپه سیالک نزدیک کاشان و گوری تپه نزدیک رضائیه به این نتیجه‌گیری می‌رسیم که در پایان هزاره چهارم و آغاز هزاره سوم قبل از میلاد، نخستین تقسیم سهم اجتماعی کار، یعنی تقسیم کار میان قبایل شبان‌پیشه و زراعت پیشه در ایران پدید آمده است. در نواحی زراعتی، نقاط مسکونی، یعنی دهکده‌ها، که هنوز از استحکاماتی برخوردار نبودند، ایجاد گشتند. پندریچ، در این نواحی پیشه‌نمایی و کوزه‌گری پیشرفت کرد، و شرایط مساعدی برای تحول به دوین مرحله سهم تقسیم اجتماعی کار، یعنی تقسیم کار بین زراعت و پیشه فراهم آمد. این امر در پایان هزاره دوم و آغاز هزاره اول قبل از میلاد به وقوع پیوست، و پیدایش طبقات اجتماعی نیز بدین دوره مربوط می‌گردد. لیکن در این دوره تکامل اقتصادی - اجتماعی در همه نقاط سرزمین ایران به یک شکل و در یک سطح نبود. در واقع نواحی شرقی ایران نسبت به نواحی غربی آن از لحاظ تکامل اقتصادی،

۳. فقه اسلامی این اراضی را جزء ارضی دولتی بحساب می‌آورد.

۴. تاریخ ایران، بهمن، جلد اول، ص ۶.

۱۲۷

تکامل مالکیت‌های فئودالی زمین در ایران

اجتماعی عقب مانده‌تر بود.

کشاورزی و دامداری ابتدایی مالکیت اشتراکی وسایل اساسی تولید را ایجاد می‌کرد. شکل این مالکیت متناسب با سطح تکامل نیروهای عامل در تولید بود، چراکه زراعت و دام‌داری با وسایل ابتدایی، جز از طریق کار دسته‌جمعی تمام افراد جامعه عملی نبود.

وسایل تولید، بویژه زمین و ابزار کار، بصورت اشتراکی در مالکیت همه اعضای جماعت‌های روستایی قرار داشت. البته، در چهارچوب مالکیت اشتراکی وسایل تولید، مالکیت خصوصی وسایل شخصی، از قبیل لباس و اسلحه، وجود داشته است، و وظایف خاندانی نیز بصورت دسته جمعی انجام می‌شد، و مردم در خانه‌های اشتراکی می‌زیستند.

در اوستا اشاراتی واضح به جماعت‌های روستایی وجود دارد. در این کتاب سازمان اجتماعی قبیله‌های ایرانی پیش از هخامنشیان بر پایه خانواده (نمانا) و جماعت عشیرتی خود مختار (ویس) عنوان می‌شود. هر یک از این جماعتها از ترکیب چند خانواده تشکیل می‌شدند. دسته‌ای از این جماعت‌های عشیرتی، قبیله یا زاتن را تشکیل می‌دادند. اتحاد این قبایل نیز یک واحد اجتماعی بزرگتری به نام داهیر<sup>۱</sup> را بوجود می‌آورد.<sup>۲</sup>

این جماعتها بوسیله شورای رهش سفیدان که غالباً معرف یک قبیله یا کلان بود، اداره می‌شدند. عضویت در این جماعتها از طریق وابستگی به یکی از گروه‌های پدری<sup>۳</sup> تعیین می‌گردید، و زنان نیز از طریق ازدواج به عضویت جماعتها در می‌آمدند.

بهترین کارهای جماعت را شورای رهش سفیدان حل و فصل می‌کرد. این کارها تقسیم دوری زمین بین گروه‌های پدری، مسایل مربوط به تولید، اتخاذ تصمیم در مورد تلبیه اعضای جماعت، و مسایل اجتماعی دولتی و بیرونی را شامل می‌گردید.<sup>۴</sup>

همراه با تکامل نیروهای عامل در تولید، سفیدان، مالکیت خصوصی و وضع لایبرار اقتصادی‌گسترش یافت. بدین ترتیب، پیش از فتوحات قبایل پارسی، قشریندی در درون جماعت‌های روستایی پیچیده‌تر گشت، و از میان اعضای عشیره کاهنان و اعیان پدید آمدند.<sup>۵</sup> لشکر کشیهای سختی که به‌منظور تصرف زمینهای دیگران صورت می‌گرفت، افزایش یافت، و اسیران جنگی بعنوان برده در دست اعیان قبایل قرار گرفتند. این امر نیز به‌لایبرارتر ساختن

۵. در نقاط مسکونی عصر نوسنگی هزاره چهارم قبل از میلاد در استخر فارسی که بوسیله‌ها آشفند کشف شده، معلوم گشته که در آن عصر در آن منطقه، مسکن، کلی و دسته‌جمعی بوده است. (E. B. Herzfeld, *Iran in the Ancient East*, 1944, pp. 10-11.)

تولستوف نیز وجود جماعت‌های اشتراکی را در خوارزم در نیمه دوم هزاره اول روشن ساخته است. (W. B. Fisher (ed.), *The Cambridge History of Iran*, Vol. I, 1968, pp. 425-6.)

6. mmana 7. vis 8. zantu 9. dabyu 10. Richard N. Frye, *The Heritage of Persia*, 1963, pp. 49-52. 11. Agnatic 12. A. G. Perfkhanian, "Agnatic Groups in Ancient Iran," *Soviet Anthropology and Archeology*, Vol. IX, No. 1, Summer 1970, pp. 15-9.

۱۳. آثار آشوری مربوط به قرن نهم قبل از میلاد از دژ گروم از قبایل ایرانی، یعنی مادها و پارسیها، نام می‌برند. از آنجا که مادها در تماس با آشوریها و هیلامها بودند، و بر سر راه بازرگانی بین هند و زمین‌های اقامت داشته، تکامل اقتصادی-اجتماعی مادها بیشتر از دیگر قبایل ایرانی بود (تاریخ جهان باستان، جلد اول، بهمن، ص ۲۵۲-۲۵۳).





سعد، شاستخ و باطله بن عبدالله، و قطعه زمینی را به یزید پسر معاویه به اقطاع داد.<sup>۴۴</sup> آن قسمت از زمینهای نیز که در سواد به دهقانها یعنی اشراف خرد سلی، تعلق داشتند در دست آنها باقی ماندند. دهقانان این ناحیه نیز ستیج شدند که علاوه بر پرداخت مالیات خود، مالیات دیگران، را نیز جمع آوری کنند، و آن را به دولت اسلامی بپردازند.<sup>۴۵</sup> لیکن در نقاط دیگر قلات اربز اعراب کمتر به تغییر روابط مالکیت پرداختند، و بسیاری از اراضی مناطق سخت: ... را اشتیاق آریان سلی، یعنی دهقانان، و حتی روستاییان، باقی گذاردند. در واقع، مالکان سلی حقوق و امتیازات خود را حفظ کردند، و تنها مجبور بودند مالیات زمین، یعنی خراج، را به عنوان حکومت اسلامی پرداخت کنند. مثلاً پس از فتح حلوان، قطاع بن عمر مزدم آن ناحیه را به پرداخت جزیه و ادار کرد، «و قباد لسی را که خراسانی الاصل بود به سرزمینی آن صفعات گماشت.»<sup>۴۶</sup> همچنین، سرد نوای را «مهریز، شوشتر، شوش و گندیشاپور، اهواز، همدان، آذربایجان، اصفهان، ریز، گرگان و طبرستان به شرط پرداخت جزیه بر سراموال خود باقی ماندند.»<sup>۴۷</sup> مثلاً ش لاسن لاسن نعمان بن سقرن و حنیفه به ساکنان ماهین که به موجب آن اسان به ایشان داده شد، در این زمینها گویاست:

بسم الله الرحمن الرحیم، این است آنچه نعمان بن سقرن به سردم ماه پوزان تعهد نموده، وی آنان را بر جان و مال و زمینهایشان اسان داده، به این شرط که ستنی و تغییر ندهند، و چیزی بین آنها و شرعشان مانع نگردد، ایشان مادام که هراسانه جزیه را به ساسو خراجشان بپردازند و گم شده را راهمائی کنند و راهها را مرسته و اصلاح نمایند و سپاهیان مسلمین را که بر آنان بیگذرند، برای مدت یکساله روز

۴۴. فتوح البلدان، پیشین، ص ۷۶. به گفته بلاذری، عثمان... امامه بن زید را زمینی در یکی به اقطاع داد که وی آنرا فروخت... (همان).

۴۵. تاریخ الهمود والبلد، پیشین، ص ۲۶۳-۲۶۴. به گفته طبری، هنگامی که خالد بن ولید به عراق رسید، شد، «به قرایی که موسوم به باقیاد و اروسا و اوس بود، فرود آمد، مردم آن تواری را با او از صلح آمدند و این صلوات از جانب ایشان با وی مصلحت بست، این امر به سال دراندم هجرت به وقوع پیوست. خالد بن ولید از آن مردم جزیه می گرفت و بهائی در این باب بعدین مضمون برای آنها نوشت: بسم الله الرحمن الرحیم، از خالد بن ولید به این صلوات موسوم که در کشاورزان سکنی دارد... تو از جانب خود هر کس در جزیره تو بر سر میرد و خراج گزار تو میباشد در قریه ات باقیاد و اروسا زندگی می نماید. هزار در هم جزیه داده است، و من آن را از تو پذیرفتم... (همان، ص ۲۶۳). البته این زمینها بامل زمینهای خاندان سامانی و اشرافی که از اراضی خود گن بیخته بودند، نمی شد (همان، ص ۲۸۶). در جایی دیگر طبری می نویسد: «خالد دهقانان را در نتیجه این فتح آورده و در ایشان ساخت... ولی فرزندان ساهانی را که در خدمت ایرانیان بودند به سوری گرفت، و دهقانان را که از مقاومت تنومند بودند از جای خود حرکت نداد، و زمین یونان آنان را تضمین نمود. سهم هر سوری از سهمین از غنایم فتح روز ذات لاسل هزار درهم و هر یارای کث آن بود، (همان، ص ۲۷۷).

۴۶. همان، ص ۳۷۶.

۴۷. همان، ص ۳۷۸-۳۷۵.

۳۸. همان، ص ۴۱. شرایط مذکور در این نامه در تمامی عهدنامه های مربوط به اصفهان، همدان، ریز، گرگان، طبرستان، آذربایجان و معان نیز آمده است (همان، ص ۴۱۴، ۴۱۹، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۳۰).

۳۹. همان، ص ۴۳۵-۴۴۳.

50. M. Sidiqi, *Development of Islamic State and Society*, 1956, pp. 69-73.

51. مالک و ذراع دایره، پیشین، ص ۲۲-۲۴.

52. همان، ص ۷۶ و رسیده نفسی، تاریخ خاندان طاهری، جلد اول، ۱۳۴۵، ص ۳۳۸.

53. C. Reuben, "Daya," *The Encyclopedia of Islam*, II, 1963, p. 188.

54. Reuben Levy, *The Social Structure of Islam*, 1957, p. 323.

55. اگر مقدار منارجی را که از طریق دریافت مالیات صرف تأمین زندگی در بار و دیوان سالاری نظامی و اداری می شد، با مقدار منارجی مربوط به هزینه های عمومی، مانند منارج شهر مکه مدینه، نگهداری راهها و غیره، مقایسه کنیم، اهمیت منارج نوع اول نمایان می گردد. در سال ۱۹۱۸، منارج عمومی کمتر از یک میلیون دینار بوده است، در حالی که در بار و دیوان سالاری در حدود ۱۵ میلیون دینار به خود اختصاص داده اند (همان، ص ۳۲۴).

آنها را برات را اغلب به عهد و روستاییان اراضی دیوانی حواله می کردند. این شیوه به سبب آن که مبلغ برات یا مبلغ خراج آن سهل مطابقت نداشت، بازسنگینی بر دوش روستاییان بود. در واقع نوشتن برات به عهد و ولایات و توابع، سببی برای دزدی و اخاذی بود. مال و کالای که از طریق برات بستان می آمد، بین مأموران اعزامی و مأموران سلی تقسیم می شد. گذشته از این، هنگامی که محصول مالیات در فرسادهای این وجوه تأخیر می کردند، سپاهیان خود به ولایات می رفتند و وجوه دیوان را دریافت می داشتند، و باج مخصوص هم بابت چهاربایان و علوفه می گرفتند.<sup>۴۸</sup>

غارت خان سبب نابسامانی اوضاع اقتصادی- اجتماعی جامعه شیوه برات نویسی را نفور کرده و اصل تثبیت میزان بهره و مالیات را جایگزین آن ساخت، و عمال دیوان را شدیداً از صدور برات به نام اشخاص برحذر داشت.<sup>۴۹</sup> با اینهمه، وی در اصلاحات خویش کاملاً موفق نشد، و در سال ۷۰۳ هـ. ق/ ۱۳۰۳-۴-۱۳۰۴ م. تصمیم گرفت که به عوض صدور برات، به نظامیان اقطاع دهد.<sup>۵۰</sup> لیکن در دوره سلطان ابوسعید مقاطعه مجدداً رواج یافت و قواعد ستمکارانه ای که مروج گشته بودند، باز دیگر رائج گردیدند.

اراضی که در آندها آنها به منقطع داده می شد، عملاً به زیر سلطه سفاطمه مگر در می آمد، اگر چه زمین رسماً دیوانی باقی می ماند، از آنجا که مأمورین جمع آوری مالیات و مقاطعه گران معمولاً (ربابان یا اقزاق) با نفوذ سلی بودند، مانند مالکان زمین با روستاییان رفتار می کردند، و بسیاری از اوقات چیزی به دیوان نمی پرداختند.<sup>۵۱</sup>

آن بخش از زمینهای دیوانی نیز که در آندها منقطع داده نمی شد، تحت تسلط سوران دولتی قرار داشت. اگر چه میزان خراج این اراضی ثابت بود، با اینهمه، مأمورین میزان خراج را بر سبب خواست خود تغییر می دادند، و پیش از حد روستاییان را غارت می کردند. در اغلب سالها نیز مالیات را از پیش وصول می کردند، و در پاره ای از اوقات در طی سال چندین بار مالیات می گرفتند. بدین ترتیب، وابستگی کشاورزان به مأمورین دیوانی افزایش می یافت، و زندگی خصوصی آنها مورد مداخله مأمورین قرار می گرفت.

در دوره صفویه نیز اراضی دیوانی وجود داشته اند، و مانند گذشته، از وسعت آنها به سبب واگذاری تیول به نظامیان، اداریان و سران ایلات کاسته شده.<sup>۵۲</sup> به گفته شاردن «اراضی

طی قریای چهارم و ششم قمری (دهم تا دوازدهم میلادی) وسعت اراضی دولتی به سبب افزایش اراضی اقطاعی، اسلاک سقیویه و خصوصی کاهش یافت. با اینهمه، چنین شیوه ای که در اوایل ترون و سلی در بعضی از نواحی ایران مانند طبرستان و فارس زمینداری خصوصی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است.<sup>۵۳</sup>

بدین ترتیب، اراضی دیوانی که در اوایل حکومت اسلام پدیدار می گردید، بتدریج اهمیت خود را به نفع مالکیتهای شروط و غیرشروط زمین از دست می دهند. لیکن وسعت این اراضی در اوایل تأسیس سلسله های سامانیان، آل بویه، سلجوقیان، ایلخانان و صفویه افزایش یافته است. چرا که تشرحا کمه جدید خود را در تضاد با تشرحا کمه قدیمی می دیده است، و از این روی برای از میان برداشتن قدرت سیاسی آنها، به تدریج اراضی اقطاعی، سلطنتی و خصوصی می پرداخته است.<sup>۵۴</sup>

در دوره مغول بخش بزرگی از زمینهای ضبط شده (دیوانی)، به مشکل اقطاع (مالکیت مشروط) و سیو و عا (مالکیت غیر مشروط) به افراد مختلف واگذار گردید. پاره ای از این اراضی نیز توسط ایلخانان فروخته شده، و برخی از آنها در ازای خدمت نظامی و اداری به افراد با نفوذ سلی به اقطاع داده شدند. گذشته از این، در این دوره حتی آن بخش از زمینهای دیوانی که به افراد مختلف واگذار نشده بودند، به مقاطعه افراد با نفوذ در آمدند.<sup>۵۵</sup>

مقاطعه، اجاره دادن در آندها یک ناحیه به قرار سلی مطوع و به مدتی معین، بود.<sup>۵۶</sup> مقاطعه کاران که مدت قرار داد آنها معمولاً بین سه تا شش سال بود، به عجله می کوشیدند تا از طریق غارت روستاییان بر ثروت خود بیفزایند. بدین ترتیب، رواج مقاطعه کاری وضع روستاییان اسلاک دیوانی را به شدت خراب کرد، و سقوط کشاورزی را تسریع نمود.<sup>۵۷</sup>

در زمان هلاکویان نیز بعضی از گروههای غیر تولید کننده، یعنی خدمتگزاران و گماشتگان مغولها، سواجب و مستزیمهای خود را از درآمد اراضی دیوانی بصورت برات دریافت می داشتند. این کار تا اندازه ای در دوره سلجوقیان و پیش از آنها رسوم بود، اما نه به آن حدی که در زمان مغولها متداول گردید. پیش از دوره غازان خان (۱۲۵۶-۷۰ هـ. ق/ ۱۲۹۵-۱۳۰۴ م.) نیز مأموران اداری و نظامی این وجوه را به مشکل حواله و برات دریافت می داشتند.<sup>۵۸</sup> برات به عهد خزانة دارهای محلی نوشته می شد، و خزانة دارها نیز پرداخت

۵۶. کشاورزی و منابع ارضی در ایران عهد مغول، جلد دوم، پیشین، ص ۷۰.

۵۷. در این باره درج شده به شاهوی مربوط به اراضی سلطنتی، هلاکی خصوصی، وقتی مالکیتهای مشروط در همین فصل.

۵۸. کشاورزی و منابع ارضی در ایران عهد مغول، جلد دوم، پیشین، ص ۷۰-۹.

۵۹. در زمان خلفا بویزه پس از قرن پنجم قمری خراج اراضی دیوانی به افراد مهم و با نفوذ به مقاطعه داده می شد، و کسی که مقاطعه می گرفت، مقدار کمی به خلیفه می پرداخت. Annk S. Lambton (ed.), *The Cambridge History of Islam*, Vol. II, 1970, p. 533.

۶۰. «ایران پیشین»، ص ۹۱.

۶۱. کشاورزی و منابع ارضی در ایران عهد مغول، جلد دوم، پیشین، ص ۱۱-۱۲.

۶۲. رشید الدین فضل الله، تاریخ مبارک غازانی، ۱۹۴۰، ص ۲۵۷-۲۵۹.

۶۲. مالک و ذراع دایره، پیشین، ص ۱۷۳.

۶۳. تاریخ مبارک غازانی، پیشین، ص ۲۵۷-۲۶۳. در بعضی از ویرایش های قدیمی در مورد برات چنین آمده است: «فرضی مردمی تا آن اموال منقطع و مقدرد که بموجب قانون که بر هر موضع مقرر شده حکام و گماشتگان ولایات در برات نکند، تا یکی دست ایشان از برات و حوالات کوتاه گردد و بدان واسطه عوامان و سرهنگان بسیار که عدد ایشان زیادتر از دهای مال گذار گفته بود مستقل از خویش ایشان از خون و مال دهای عاجز... کوتاه دست شوند و از آن حرام خوردگی می بهره شوند...» (همان، ص ۲۵۹).

۶۴. همان، ص ۳۰۰-۳۰۳.

۶۵. Levy, پیشین، ص ۳۰۸-۳۱۰. مالک و ذراع دایره، پیشین، ص ۱۷۰-۱۷۱.

J.A. Boyle (ed.), *The Cambridge History of Iran*, Vol. 3, 1968, pp. 485-6.

۶۶. کولس، محافل ره برن، نظام ایالات دودنه صفویه، ۱۳۴۹، ص ۱۷۰.







روز معاشرت باغات خاصه مشغول شود و زمینها را در زراعت آرد و مجموع مهورات را زرع کند...

تسمتی از اراضی سلطنتی نیز از طریق خرید املاک خصوصی بدست آمده بودند. برای نمونه در دستورالکاتب می‌آید که «هم بهتمقان سیدالخواص نجم‌الدین معلوم دالدکی دبه فلان را از ناحیت مهرآورد بیع شرعی خریداریم و حجت مسجل بذکر آن لاطق و حکم دیوان صورت یافته...»

املاک اینچو را دیوانی خاص اداره می‌کرد که به دیوان انجو یا حکومت انجو موسوم بود. رؤسای این دیوان نیز از میان فئودالهای بزرگ برگزیده می‌شدند. مثلاً بعضی از اکتان لک کوچیک شامل این مقام بوده‌اند. برای اداره املاک سلطنتی در فارس (بعد از سال ۶۸۳ هـ.ق) خراسان و بین‌النهرین که وسعت آنها قابل توجه بود، مسووران مخصوصی گمارده می‌شدند، و درآمد این املاک در حدود خاصی که تمنا نام داشت، جمع‌آوری می‌شد.

- ۱۱۵. مصدبن هندو شاه تخرجانی، دستورالکاتب فی تعیین اهلماقب، جزء دوم از جلد اول، ۱۹۷۱. ص ۶۱۸. همینطور، ص ۶۶۱، ۳۷۰.
۱۱۶. همان، ص ۳۷۹.
۱۱۷. برتولد آشبول، تاریخ معلول دایوان، ۱۳۵۰، ص ۳۲۵.
۱۱۸. مالک ذراخ دایوان، پیشین، ص ۱۶۴-۱۶۶.
۱۱۹. تحریق قادریخ وصف، پیشین، ص ۱۳۸-۱۳۹.
۱۲۰. همین‌الدین نظری، منتخب التوادریخ معینی، ۱۳۳۶، ص ۶۲ در تحریق قادریخ وصف. پیشین، ص ۲۷۶. همینطور رجوع شود به کشاورزی و مناسبات ادبی، دایوان عهدمغول، جلد دوم، پیشین، ص ۱۸.
۱۲۱. از آنجا که مالیات مهر زمینها نیز تمنا نامیده می‌شد، بدین سبب نمی‌توان دقیقاً رابطه این دو نوع درآمد را تعیین کرد (آشبول، پیشین، ص ۳۲۶).
۱۲۲. همان، ص ۳۶۹-۳۷۷.
۱۲۳. تحریق قادریخ وصف، پیشین، ص ۳۳۳.
۱۲۴. همان، ص ۳۱۱ و کشاورزی و مناسبات ادبی، دایوان عهدمغول، جلد دوم، پیشین، ص ۸.

در تاریخ وصف ترکیب این اراضی در پاره‌ای از نواحی چنین بوده است: و از آن جمله سه هزار جفت در بغداد و اعمال آن مقرر گردانده و سه هزار فدان در ولایت شیراز بر حسب و حجت بلوکان و بیته را حسب الامکان و امکان در روم و عراق و آذربایجان و دیار بکر با تخم و تقاوی و مخارج آن مرتب سازند... از مقایسه درآمد دیوان از اراضی دیوانی و سلکی چنین نتیجه می‌شود که وسعت اراضی اینچو در فارس پیش از وسعت اراضی دیوانی و سلکی بوده است. مثلاً درآمد اراضی اینچو و دلای فارس در سال ۶۹۳ هـ.ق هزار تومان بوده است... در حالی که حدافه مستوفی درآمد حاصل از اراضی دیوانی، سلکی و شهرهای سراسر فارس را ۲۸۷ تومان و ۱۲۰ دینار برآورد کرده است...

اراضی اینچو را فرزندان ایلیخانان موارث می‌بردند، و صاحبان اراضی اینچو، یعنی خانواده سلطنتی، به اجرای خدست نظمی و اداری ملزم نبوده‌اند. ایلیخانان نیز اراضی اینچو را به بعضی از خانها به شکل اقطاع و وقف واگذار می‌کردند. برای نمونه، غازان خان تسمتی از اراضی اینچوی خویش را به خواجه رشیدالدین فضل‌الله بختیاری، در ضمن غازان خان زینبیه ایچو را به شاهزادگان ذکور واگذار کرد تا برای اداره کردن خانواده آنها به‌وضوح مالیات نیازی نباشد... به گفته نظری دولت منتخب التوادریخ معینی سلطان محمد الجایتو عزالدین محمود را حاکم املاک اینچو انتخاب کرد، و بعد از سلطنت دولایات و املاک اینچو به‌دیک قلم بدو ارزانی داشت و بحکومت لرستان فرستاد... بدین ترتیب، املاک سلطنتی نه تنها به عنوان سیور عامتیش به همسرایان، برادران و پسران ایلیخانان داده می‌شد، بلکه آنها را بعنوان صاحب پاداش و اقطاع به صاحب منصبان دولت، سرداران و سپاهیان واگذار می‌کردند... مثلاً، متون تاریخی از این نوع اقطاعات و پاداشها در آسیای صغیر، ارمنستان، گرجستان، شیروان، بین‌النهرین، قزوین، شوشتر و خراسان نام برده‌اند... در واقع، در این دوره گذشته از اقطاعات موروثی، یک صدم از املاک سلطنتی به منظور اهداء اقطاع سوخت، در نظر گرفته می‌شدند، و چون مدت قرار داد تمام می‌شد، این اراضی به اشخاص دیگری، واگذار می‌گردیدند. در این صورت این اراضی از املاک که مستقیماً تحت اختیار ایلیخان بودند، جدا می‌شدند...

- تصرفات اراضی اینچو از امتیازات قابل ملاحظه‌ای، از جمله، معافیت از پرداخت ۱۲۵. تحریق قادریخ وصف. پیشین، ص ۲۱۱.
۱۲۶. همان، ص ۱۶۱-۱۶۲.
۱۲۷. داکنون بردقانی، دیوانی دوست و همکار دوست تومان و یکنه‌ارو دوست دینار رایج است. و در ولایت آتش محصول می‌ستانند... (حدفاطه مستوفی قزوینی، ترجمه الفلوط، ۱۳۳۶، ص ۱۳۴).
۱۲۸. مالک ذراخ دایوان، پیشین، ص ۱۷۹-۱۸۰.
۱۲۹. منتخب التوادریخ معینی، پیشین، ص ۶۲-۶۳.
۱۳۰. قادریخ وصف، پیشین، ص ۳۰۳-۳۰۹.
۱۳۱. آشبول، پیشین، ص ۳۲۷-۳۲۸.
۱۳۲. همان، ص ۳۴۸ و کشاورزی و مناسبات ادبی، دایوان عهدمغول، جلد دوم، پیشین، ص ۲۲.
۱۳۳. همان.

مالیات، برخوردار بودند. در پاره‌ای از اوقات نیز کسانی که از دولت طلبی داشتند، با پرداخت پول به حکام، اسیران و دیربان براتهایی برای املاک سلطنتی دریافت می‌کردند. این براتها در شهرها داد و ستد می‌شدند، و قیمت آن متناسب با درجه مرغوبیت ملک لوسان می‌گردد... درآمد تسمتی از اراضی اینچو را نیز به‌منظور اهداء اقطاع به اشخاص، به‌شکل املاک سلطنتی در رابطه با رعایا قرار می‌گرفته، و سازاد تولید با مستقیم دریافت می‌داشتند... پس از فوت غازان خان اهداء اینچو به شاهزادگان و بزرگان کاهش یافت، با اینهمه، اهداء اینچو به فرزندان ایلیخانان کم و بیش دوام آورد...

در دوره صفویه املاک سلطنتی را املاک خاصه و خالصه می‌خواندند... لیکن در اواخر دوره صفویه تفاوت بین اراضی دولتی و خاصه به هم پیوسته است؛ و این امر سیاحت خارجی را در مورد تقسیم بندی زمینداری به اشتباه کشانده است. به هرگونه، روشن است که در آن دوره اراضی سلطنتی به‌خالصه و خاصه مشهور بوده‌اند. اراضی خاصه در ایالتهای بزرگ وجود داشته‌اند، و اراضی خالصه آن دسته از اراضی سلطنتی بوده‌اند که شاهان صفوی بخشی از آنها را به عنوان تیول به بزرگان نظمی و اداری واگذار می‌کردند. بدین ترتیب، اداره امور املاک و سلاطین خاصه در طول دوره صفویه دچار تغییراتی گشته است. مثلاً در قرن دهم هجری قمری/ شانزدهم میلادی خالصه به املاک سلطنتی کوچکی که در داخل حکومتی که به تیول داده شده بود، اطلاق می‌گردید. برعکس، خاصه را نواحی بزرگ و حکومتی‌هایی که جزء املاک سلطنتی قرار داشتند، می‌گفتند.

اراضی سلطنتی بلکه شخصی و خصوصی شاهان صفوی بوده است. لیکن این اراضی بر خلاف آنچه بعضی‌ها عنوان کرده‌اند، شامل تمام اراضی ایران نبوده است. اساساً چنین نظری را نظام الملک در میامت نامه مطرح ساخته است. چرا که به گفته وی ملک و رعیت همه سلطان راست... با ایلهمه، به‌رغم آنچه بهجتان معتقد است به‌استناد گفته نظام الملک و سیاحت خارجی باور دارند، این نظریه که در ایران شاهان پیکانه مالک اراضی بوده‌اند، عملاً و رسماً واقعیت نداشته است. البته، شاهان ایران، همانند شاهان نقاط دیگر در عصر فئودالیسم، می‌توانستند املاک را به‌صورت تیول و زمینهای سلطنتی تبدیل نمایند. اما حقوق مالکیت بر حسب شناخته می‌شد، و وجود املاک واقعی و سلکی دال بر آن بوده است. در غیر این صورت، چگونه می‌توان این امر را توضیح داد که شاهان لازم دیدند املاک شخصی خود را به‌دولت واگذار کنند تا هم بتوانند از عواید آن بهره‌مند گردند و هم از سرزنش این و آن...

- ۱۳۴. آشبول، پیشین، ص ۳۲۸.
۱۳۵. تحریق قادریخ وصف، پیشین، ص ۱۳۸-۱۳۹.
۱۳۶. دستورالکاتب فی تعیین اهلماقب، پیشین، ص ۳۷۹-۳۸۰.
۱۳۷. مثلاً رجوع شود به حافظ ایرد، ذی‌جامع التوادریخ زینبی، ۱۳۱۷، ص ۱۳۸.
۱۳۸. سیاحتنامه‌ها درین، جلد هشتم، پیشین، ص ۲۶۶، به‌دورسکی، پیشین، ص ۱۱۹.
۱۳۹. مالک ذراخ دایوان، پیشین، ص ۲۱۷ و کشاورزی و مناسبات ادبی، دایوان عهدمغول، جلد دوم، پیشین، ص ۲۴.
۱۴۰. ابوالحسن بن علی خواجه نظام الملک، سیاحتنامه، ۱۳۳۴، ص ۳۵.

که ممکن بود بگویند از راه حرام املاک مزبور را به‌دست آورده است، پرهیز کرده باشد... این امر نمایانگر آن است که مالکان خصوصی نسبت به زمینهای خویش از حقوق کامل مالکیت برخوردار بوده‌اند. گذشته از این، در دوره صفویه هر مالکی می‌توانست ملک خود را وقف کند، و این کار میسر نمی‌شد مگر آن که مالکان نسبت به املاک خود دارای حق کامل مالکیت می‌بودند... اگر نظام الملک سلطان را یکانه مالک زمین می‌دانسته است، احتمالاً به‌این دلیل بوده که او می‌خواست از دست اندازی خود سرانجام قطعان و بزرگان بر اراضی سلطنتی و دیوانی بسالست بعمل آورد و تمرکز دولتی را حفظ نماید، و در نتیجه، از باسیدگی و تفرقه فئودالی جلوگیری کند...

در دوره صفویه بخشی از اراضی خالصه تیول مشاغل بود، و درآمد حاصل از بخشی دیگر از این اراضی سواجب مسووران و خدمتکاران دربار و حقوق افراد قشون شاه را تأمین می‌کرد. تسمتی از اراضی خالصه نیز از طریق اعطای شاهان صفوی بصورت سوخت یا مادام‌العمر به افراد منتقل می‌شد، و گاه به‌شکل سوختی به افراد مختلف واگذار می‌گردید. پاره‌ای از این اراضی نیز در دست فزیران یا باسیران شاهان قرار می‌گرفت که هر یک در ایالت خویش به‌بهره‌برداری از آنها می‌پرداختند... این املاک توسط پیشکاران شاهان صفوی که وزیر نامیده می‌شدند، اداره می‌گردیدند. کمپوز در این باره چنین می‌نویسد:

این پیشکاران سلطنتی بالاترین اختیارات اقتصادی و سیاسی مربوط به خاکه تحت اداره خود را تماماً دارا هستند. وظیفه اصلی آنها در اینست که مالیات غلات را بگیرند، مخارج ابتکار را تعیین کنند و سهم موظف سالانه را به‌دقت خالصه توزیع تحویل دهند...

عواید دربار از طرف مستوفی خاصه جمع‌آوری می‌شد. دفترخانه خاصه نیز زیر نظر مستوفی خاصه قرار داشت، و عواید آن به‌صرف تأمین مخارج دربار می‌رسید. در این دفترخانه کلیه عواید و مخارج مربوط به املاک خاصه درج می‌گردیدند... در این دوره پاره‌ای از ایالات متصرفات تحت فرمان حکام لیوذه‌اند، و وزرای کل در این ایالات بر اعمال آنها نظارت داشتند. اما وظیفه اصلی وزرای کل اداره املاک خاصه‌ای بوده که در محدوده ایالت حاکم قرار داشته است. دخالت در درآمد اراضی خاصه نیز کاملاً از اختیار حاکم خارج بوده است. حکام تنها در صورتی می‌توانستند در مصرف این درآمدها اعمال نظر و دخالت کنند که دستور مستقیم از دربار می‌داشتند، و این کار نیز با وساطت وزیر کل انجام می‌گرفت...

- ۱۴۰. مالک ذراخ دایوان، پیشین، ص ۲۱۳-۲۱۴.
۱۴۱. همان، ص ۲۱۳.
۱۴۲. همانگونه که در فصل منسوب به زمینداری اروپا گفته شد، در انگلستان شاه مالک نهایی اراضی بوده است.
۱۴۳. سیاحتنامه شاردن، جلد هشتم، پیشین، ص ۲۶۶-۲۶۷.
۱۴۴. کمپوز، پیشین، ص ۱۱۱.
۱۴۵. همان، ص ۱۰۹-۱۱۰.
۱۴۶. دهربرگ، پیشین، ص ۱۵۳-۱۵۴.

گذشته از این، مخارج پذیرایی میهمانان شاهان نیز اغلب از محل املاک خاصه تأمین می‌شده است.<sup>۱۴۷</sup>

درآمد املاک خاصه صرف پرداخت سواجب حکام و سربازان نیز می‌شده است. این امر به‌ویژه هنگامی ضرورت می‌یافت که در یک ناحیه سرزی بیش از آن که عایدی آن ایالت اجازه می‌داد، سرباز داشت. مثلاً، شاه طهماسب برای دفاع از سرخس و زورآباد از توابع مشهد حکومت این دو ناحیه را مستقل اعلام کرده و یکی از سادات محلی را که تا پالصد ملازم نگاه می‌داشتند، به‌حکمرانی آنها منصوب داشت. «اما از آنجا که عواید (مداخل) سرخس و زورآباد حتی برای سواجب و اعلام، دوستان و پیغام‌سپاهمی و مساقی نیز کفایت نمی‌کرد، شاه به‌حاکم، بیلی هر ساله برات بر خاصه شریفه خراسان شفقت کرد».<sup>۱۴۸</sup>

قسمتی از درآمدهای املاک خاصه نیز برای پرداخت مزد سپاهیان خاصه پرداخت می‌شد. وزرای خاصه نیز تا اندازه‌ای نسبت به این سربازان قدرت اسرونی داشتند.<sup>۱۴۹</sup> درآمد اصلی شاهان صفوی از حاصل زمین بدست می‌آمد، اگر چه عوایدی از عوارض چهار پایان<sup>۱۵۰</sup>، ابریشم و پنبه<sup>۱۵۱</sup>، انحصار معادن فلزات و سنگهای گرانبها و سید مروارید، ضرب سکه<sup>۱۵۲</sup>، آب<sup>۱۵۳</sup>، عوارض ساکنان شهرها<sup>۱۵۴</sup>، عوارض پیشه‌وران و کسبه، و بیگاری<sup>۱۵۵</sup>، نیز وجود داشته‌اند.

اراضی سلطنتی بسیار وسیع بوده‌اند، و به‌گفته شاردن شامل عراق عجم، فارس، قسمتی از کرمان، و سواحل جنوبی بحر خزر، بخشی از آذربایجان و اصطهبانات می‌شده‌اند.<sup>۱۵۶</sup> کمبفر درباره عواید املاک خاصه و مناطق خاصه در زمان شاه سلیمان چنین می‌نویسد:

در بودجه دربار شاهنشاهی بزرگترین رقم درآمد متعلق به املاک خاصه است. لواحق ساکنان کیلان (در ساحل دریای خزر)، و از آن گذشته حوزه شهرهای اصفهان،

۱۳۷. برای نمونه در سال ۹۶۶ هـ. ق ۱۵۵۹ م. وزیر کل آذربایجان عهده دار پذیرایی سلطان بایزید بوده است، و یکی از اشراف سیستان نعلاتی که از طرف شاه به دربار خوانده شده بود، مخارج سفر خود را به صورت برات از وزیر کل خراسان دریافت کرد. (همان، ص ۱۶۴-۱۶۵).

۱۳۸. همان، ص ۱۶۵.

۱۳۹. همان، ص ۱۶۶.

۱۵۰. به‌گفته شاردن عوارض چهار پایان، پناه‌آزده نمی از عوارض محصولات زمینی هم نیست، (سپاهتنامه شاردن، جلد هشتم، پیشین، ص ۲۸۰). درآمد شاه از اغنام و احشام شخصی یک‌هفتمشم و گله بوده است (همان).

۱۵۱. «لذت مجموع محصول سراسر کشور متعلق به شاه است»، (همان، ص ۲۸۱).

۱۵۲. درآمد شاه از ضرب سکه، علاوه بر آنچه بابت حقوق مأموران و مخارج تهیه برداشت می‌شود، دودرمنه است، (همان).

۱۵۳. «تجهه‌ام که آبهای اطراف اصفهان چهاردهم از تومان درآمد سالانه دارد» (همان).

۱۵۴. «این عوارض از قرار یک مقال طلاچوبه است که دین اسلام کسانی را که نمی‌خواهند اسلام آورند، به پرداخت آن مستکوم کرده است»، (همان).

۱۵۵. پیشه‌وران می‌توانستند برای خلاصی از انجام بیگاری، مبلغی به شاه بپردازند (همان، ص ۲۸۶).

۱۵۶. همان، ص ۲۶۶.

قزوین، کاشان، یزد، قم، ساوه، لار، شیراز و چند ناحیه دیگر که کمتر شهرت دارد از املاک خاصه است.<sup>۱۴۷</sup>

در اوایل دوره صفویه، یعنی در قرن دهم هجری قمری/ شانزدهم میلادی وسعت اراضی خاصه بسبب ضعف حکومت مرکزی محدود بوده است. پس از این که شاه اسماعیل یسلطنت رسیده قسمتی از اراضی کشور را به نفع خود و فرزندانش ضبط کرده و قسمتی از هر ولایت را به رسم تیول میان سرداران قزلباش تقسیم کرد. پس از سرک شاه اسماعیل قدرت قزلباش کاهش یافت، و قسمتی از املاک و دارایی آنها ضمیمه املاک خاصه سلطنتی گردید. شاه عباس اول و جانشینانش تمام ایالات و حتی ایالات بزرگ مرکزی و شمالی را جزء املاک خاصه اعلام کردند. بدین ترتیب، وسعت املاک سلطنتی در اواسط قرن یازدهم هجری قمری به‌حد اکثر رسیده، و پس از آن با رواج تیولداری، وسعت آنها کاهش یافت.<sup>۱۴۸</sup>

قسمت عمده املاک سلطنتی شاهان صفوی از طریق مصادره املاک سلسله‌های قبلی و املاک بزرگان و رجال بدست آمد بود. به‌گفته کمبفر یکی از منابع درآمد صفویان از محل مصادره املاک و اموال کسانی بوده است که مورد خشم و غضب شاه واقع می‌شدند.<sup>۱۴۹</sup> این امر مورد تأیید شاردن نیز می‌باشد.<sup>۱۵۰</sup> برای نمونه، سیاست شاه‌عباس در این باره‌گویاست. در آغاز وی املاک حکام و بزرگان یزد و کرمان را مصادره کرد، آنگاه به‌خاموش کردن بزرگان فارس پرداخت، و سپس حکام و تیولداران ساکنان کیلان را از میان برداشت.<sup>۱۵۱</sup> شاه‌عباس پس از فتح کیلان در سال ۶۰۰ هـ. ق هجری قمری، سراسر کیلان را از تصرف تیولداران درآورد، و ولایت آستارا را به‌اسلاک خالصه ضمیمه کرد. در اوایل سلطنت وی نیز مردم یکی از دهات لفظ از ظلم حکام و مأمورین دولت به‌اوشکایت بردند. شاه امر به‌رسیدگی داد، و با آن که حق با رعایا بوده، تمام ولایت لفظ را پس از تصرف ضمیمه املاک خاصه کرد.<sup>۱۵۲</sup>

در عین حال، شاه‌عباس به‌سبب افزایش قدرت ایلات قوای جدیدی را که از عناصر غیر ایلی فراهم کرده بود، پشتیبان خویش ساخت، و بدین ترتیب، در سبانی قدرت صفویه تغییراتی بوجود آورد. وی برای تأمین زندگی قوای جدید، همانند گذشته، املاک خالصه را به‌تیول داد. این تیولها سوویتی بودند و به فرزندان ذکور به‌ارث می‌رسیدند مگر این که تیولدار سپاهگیری را ترک می‌گفت. این نظامیان یا بصورت قشون ثابت، و یا به‌شکل قوای چریک متشکل شدند. در مورد قشون ثابت هر یک از تیولها را به‌چند دسته از سپاهیان می‌دادند، و نه به‌هر یک از افراد، تا بدینگونه افراد تیولدار در اسر وصول مالیات سرگردان نشوند در

۱۵۷. کمبفر، پیشین، ص ۱۱۱. «بنیورسکی نیز به‌نقل از عالم آرای می‌نویسد: «بیشتر املاک ولایت اصفهان خاصه شاه طهماسب بود و ملک خاص وی مخصوص مگر گردید» (بنیورسکی، پیشین، ص ۱۴۹). «همینطور رجوع شود به‌هر برن، پیشین، ص ۱۷۲-۱۸۲».

۱۵۸. همان، ص ۱۷۲-۱۷۳.

۱۵۹. کمبفر، پیشین، ص ۱۱۸.



۱۶۰. سپاهتنامه شاردن، جلد هشتم، پیشین، ص ۱۵۷.

۱۶۱. باستانی یادیزی، پیشین، ص ۸۱-۸۳.

۱۶۲. تشریح فلسفی زندگی شاه‌عباس اول، چلنوم، ۱۳۴۵، ص ۲۷۱-۲۷۲.

پاروای از سوار سپاهیان حقوق خود را مستقیماً از محل تیول می‌گرفتند، و در بعضی موارد از خزانه سلطنت.<sup>۱۶۳</sup> گذشته از تیولهای لشکری، مأموران حکومت و افراد غیر نظامی نیز سوویتی یا سوهدا تیولهایی از املاک خالصه داشته‌اند. بقیه این اراضی نیز در اختیار سیز و وزیر قرار داشتند، و رعایای آنها بهره‌مانکنه می‌پرداختند.<sup>۱۶۴</sup>

شاهان صفوی قسمتی از املاک خود را نیز وقف کردند. سقوفات سلطنتی بطور کلی به نام سقوفات «چهارده معصوم» خوانده می‌شدند.<sup>۱۶۵</sup> در دوره شاه طهماسب اول این سقوفات وجود داشتند، و املاک آبادی را در شیروان، ارسباران، تبریز، قزوین، ری، گرسود، اصفهان و استرآباد شامل می‌گردیدند. این املاک وقف «چهارده معصوم» بودند، و خود شاه متولی آنها بود. شاه‌عباس اول نیز املاک شخصی خود را که در اصفهان، کاشان، قزوین، لفظ، جوشقان یا در اطراف کاشان قرار داشتند، و همینطور بخشی از املاک سلطنتی را در خراسان و وقف «چهارده معصوم» کرد. این سقوفات تحت نظر صدر خاصه اداره می‌شدند.<sup>۱۶۶</sup>

نگاه روزانه‌های دیروز... و امروز... روزانه‌ها... از نگاه فریدون ایل‌بیگی  از نگاه آراد (م) ایل‌بیگی  کتاب و نشریه  عکسا  ... از نگاه دیگران 